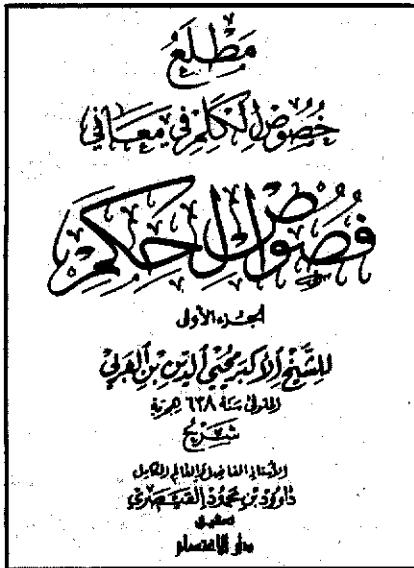


## نقد چاپ جدید

# شرح فصوص الحکم قیصری

علی محیطی



مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم، شرح داوود بن محمود القیصری، منشورات انوار الهدی، دو جلد.

### نقد شرح فصوص الحکم

همان طور که تذکر داده شد کتاب شرح فصوص الحکم برای اولین بار است که با حروفچینی جدید چاپ می شود؛ کاری که ضرورت آن سالهاست حس می شد. این کار گرچه به خاطر چاپ سنگی بودن آن، مشکل و طاقتفرساست، اما تصحیح این اثر عظیم به شیوه جدید نیز

۱. شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، ص ۲۴ تألیف سید جلال الدین آشتیانی.

یکی از مهمترین کتابهایی که در عرفان نظری نگاشته شده، فصوص الحکم، تألیف شیخ اکبر محی الدین ابن عربی (م ۶۳۸ هـ. ق) است.

ابن عربی یکی از نام آورترین عارفان چند سده اخیر در عرفان نظری بوده و به تعبیری پدر عرفان اسلامی محسوب می شود و شاید از پرکارترین دانشمندان اسلامی نیز باشد.

یکی از محققان معاصر برای ابن عربی بیش از ششصد اثر نام برده که یکی از آنها تفسیری است بالغ بر ۹۵ جلد. آثار دیگر ایشان که از شهرت ویژه ای برخوردار است الفتوحات المکیه و فصوص الحکم می باشد. فصوص الحکم مهمترین کتاب درسی عرفان نظری در حوزه های علمیه می باشد که به خاطر پیچیدگی عبارات و اغلاق اعجاب انگیز و کم سابقه آن شرحهای فراوانی (بالغ بر ۱۱۲ شرح) به زبانهای عربی، فارسی و ترکی بر آن نوشته شده است.

یکی از بهترین شروح آن، شرح داوود بن محمود قیصری (م ۷۵۱ ق) است که سالهاست به عنوان کتاب درسی متوسط این رشته تدریس می شود و قبل از آن تمهید القواعد ابن ترکیه و بعد از آن مصباح الأنس ابن فناری و فتوحات مکیه ابن عربی خواننده می شود.

این کتاب ارزشمند، همچون سایر کتب حوزه از لحاظ چاپ و خط از کیفیت نامطلوبی برخوردار بود که بحمدالله به همت یکی از فضلالی معاصر و تلاش انتشارات انوار الهدی برای اولین بار با حروف زیبا و چاپ نسبتاً خوبی و افزودن نشانی آیات و بعضی نسخه بدلها وارد بازار شد. (شکرالله مساعیهم)

استشهاد کرده و از ترمذی نقل نموده و به فتوحات ارجاع داده است و مصحح هیچ یک از این تخریجات ضروری را استخراج نکرده است.

ضرورت این ارجاعات آنگاه آشکار می شود که می بینیم به خاطر عدم مراجعه به منابع گرفتار خطاهای مهم شده است. شارح در صفحه ۳۲۷، جلد ۱ به جمله ای از یکی از ابواب فتوحات مکیه استشهاد نموده و مصحح بدون مراجعه به باب مربوطه همچون سایر نسخ غیر مصححه این گونه آورده است: جعل هذین الفلکین ایضاً فی (فتوحاته) فی الباب الخامس والسبعین ومائتان. در حالی که اولاً از لحاظ ادبی باب الخامس والسبعین ومائتین صحیح است و ثانیاً در باب الخامس والسبعین ومائتین از آن خبری نیست، بلکه در باب الخامس والتسعين و مائتین موجود است.

حال اگر مصحح محترم به باب فوق مراجعه کرده بود، هیچگاه گرفتار این چنین خطایی نمی شد. علاوه بر اینکه در این عبارت کوتاه دو اشتباه دیگر نیز به چشم می خورد. اول اینکه مائتان غلط است و باید مائتین باشد چه اینکه در حالت جراست نه رفع.

دوم اینکه «فتوحاته» را داخل پرانتز نوشته است، در حالی که نیازی بدان نیست؛ چه اینکه نسخه بدل نمی باشد تا داخل پرانتز قرار داده شود و اگر نسخه بدل هم می بود جای آن در پاورقی است نه متن کتاب.

و اگر به خاطر اینکه نام کتاب است و خواسته با بقیه متن تفاوتی داشته باشد، این هم ناتمام است. چون در سایر موارد نام کتابهای دیگر، حتی کتب محی الدین، را بدون قرار دادن داخل پرانتز آورده است. مثل ج ۱، صفحه ۳۰۱ که از کتاب اصطلاحات الصوفیه شیخ نقل می کند، بدون اینکه نام کتاب را داخل پرانتز قرار بدهد.

به حسب استقرار پرانتز را ایشان در جایی می آورد که شارح به کلام ماتن در شرح استشهاد نموده باشد؛ مثل ج ۱، ص ۲۲۶: لذلک اثبت العلو المکانی للعرش بقوله (فعلو المکان کالرحمن علی العرش استوی و هو اعلی الاماکن). قال (العلو علوان). اما محل بحث این گونه هم نیست زیرا «فتوحاته» کلام ماتن نیست، بلکه عبارت شارح است.

این خطا را در جاهای دیگری نیز مرتکب شده است؛ مثل ج ۱، ص ۳۵۰ و امثال آن.

مستلزم تلاشی است مضاعف، تا به دور از پیرایه و با چهره ای شایسته که در خور چنین کتابی است، باشد.

اینک با عرض پوزش از مصحح محترم، به نمونه هایی از اشکالات فراوان آن اشاره می کنیم، بدون اینکه قصد استقصای نواقص را داشته باشیم. چه اینکه این کار تطویلی است بلاطائل، علاوه بر آن به خاطر زیادی اغلاط، خود کتابی مستقل خواهد شد. زیرا کمتر صفحه ای را می توان یافت که از این اغلاط جان سالم به در برده باشد؛ تا آنجا که از ۱۲۰ صفحه ای که از صفحه ۲۹۳ تا ۴۱۴ جلد اول مورد نقد واقع شده، فقط هشت صفحه بدون غلط چاپ شده و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

ناگفته نماند بخش عظیمی از این اشکالات به خاطر اغلاق متن و شرح و پیچیدگی آن است نه فقط کوتاهی مصحح محترم.

نواقص این شرح به چند بخش تقسیم می شود

۱. نواقص تعلیقات و تخریجات مصحح؛
۲. اشتباهات تصحیح؛
۳. اغلاط فنی (آمیختگی متن و شرح).

#### ۱) نواقص تعلیقات و تخریجات

مصحح محترم بجز آیات شریفه و برخی از نسخه بدلهای سایر مطالب و اشاراتی را که نیازمند ذکر نشانی و ارجاع بوده تخریح ننموده، در حالی که نشانی نقل قولهایی که شارح از کتب ماتن و احیاناً از دیگران داشته، برای محقق و دانش پژوه امری است ضروری تا:

اولاً با کتب فن آشنا شود.

ثانیاً صحت یا عدم صحت انتساب اقوال و دلیل آن روشن گردد.

ثالثاً برای رد یا قبول و صحت و سقم استدلال به آن مطلب، با توجه به قرائن موجود در منبع، از آگاهی بیشتری برخوردار باشد.

رابعاً در تصحیح متن و یافتن اغلاط احتمالی، از آنها مدد بگیرد.

مثلاً شارح در ج ۱، ص ۳۰۲ کتاب مزبور به حدیث قدسی استدلال نموده و پس از آن به سخن بایزید بسطامی

ج ۱، ص ۳۴۰: واحده منهن فما عين ... صحيح آن این چنین است: واحده، فماعين.

ج ۱، ص ۳۴۴: كان في خلق، صحيح آن این چنین است: كان خلق.

ج ۱، ص ۳۶۴: بوجدانه انه الامر صحيح آن این چنین است: بوجدانه الامر.

ج ۱، ص ۳۶۲: المتكثرة الثابتة في انفسها صحيح آن این چنین است: المتكثرة في انفسها.

ج ۱، ص ۳۶۸: الا من انفسهم ... صحيح آن این چنین است: الا انفسهم.

ج ۱، ص ۳۷۰: از لا و ابدأ ولا يتعلق ... صحيح آن این چنین است: از لا و ابدأ لا يتعلق.

ج ۱، ص ۳۷۱: تابعة للعلم بوجه من الوجوه اذا ... صحيح آن این چنین است: تابعة للعلم اذا.

ج ۱، ص ۳۷۵: ماكلف الحق العبد ... صحيح آن این چنین است: ماكلف العبد.

ج ۱، ص ۳۸۷: قال الله تعالى الذي ... صحيح آن این چنین است: قال الله الذي.

#### دوم: کم نمودن کلمات و حروف و احياناً جملات

ج ۱، ص ۲۹۹: وولده ما انتجه لهم ... صحيح آن این چنین است: وولده وهو ما انتجه لهم.

ج ۱، ص ۳۰۴: حکم جاء في حق المحمدين ... صحيح آن این چنین است: حکم وجاء في حق المحمدين.

ج ۱، ص ۳۰۷: عن ابي سعيد الخدري عنه ان النبي صلى الله عليه وآله، صحيح آن این چنین است: عن ابي سعيد الخدري رضی الله عنه ان النبي صلى الله عليه وآله.

ج ۱، ص ۳۱۶: كما قال الموت تحفة المؤمن صحيح آن این چنین است: كما قال صلى الله عليه وآله: الموت تحفة المؤمن.

ج ۱، ص ۳۲۸: كتتم خیر امة اخرجت، صحيح آن این چنین است: كتتم خیر امة اخرجت للناس.

ج ۱، ص ۳۳۴: في الاسماء هي النسب، صحيح آن این چنین است: في الاسماء وهي النسب.

ج ۱، ص ۳۳۵: هو الذات وليس ... صحيح آن این چنین است: هو الذات ای وليس.

ج ۱، ص ۳۶۰: والمؤمنين بلسان بعضهم ... صحيح آن این چنین است: والمؤمنين و بلسان بعضهم.

ج ۱، ص ۳۷۱: يفعل كل شيء يستحيل ... صحيح آن این چنین است: يفعل كل شيء بحكمته يستحيل ...

ج ۱، ص ۳۸۹: عن علمنا ای علمنا برهاناً، صحيح آن این

#### ۲) اشتباهات تصحيح

این اشتباهات بیش از حد معمول بوده و آنچنان بر سرتاسر کتاب سایه گستر شده است که کمتر صفحه ای را می توان یافت که از این گونه خطاها مصون مانده باشد، ولی ما به ذکر چند مورد از آنها بسنده می کنیم که مشت نمونه خروار است.

توضیح لازم است که منبع ما برای تصحيح این اشتباهات دو نسخه است: همان نسخه موجود که ایشان از روی آن اقدام به چاپ جدید این کتاب نموده است؛ ب: نسخه ای عتیق و گرانبها از حضرت علامه حسن زاده آملی - دام ظلّه العالی - که توسط ایشان و چند نفر از اساتیدشان تصحيح گردیده و مزین به حواشی استوانه های این فن نیز می باشد.

برای سهولت و قوف بر این اشکالات آن را در چند محور بررسی می کنیم

اوّل: افزودن حروف یا کلمات و احياناً جملات؛

دوم: کم کردن حروف یا کلمات و احياناً جملات؛

سوم: تقدیم و تأخیر حروف یا کلمات و احياناً جملات

چهارم: سایر اغلاط محتوایی.

اوّل) افزودن حروف یا کلمات و احياناً جملات؛

در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

در جلد ۱، ص ۴۰۳ سه بیت شعر مؤلف را شارع به صورت شرح مزجی توضیح داده است و مصحح محترم به سلیقه خویش کنار هم قرار داده و بعداً شعر را به همراه شرح آورده است. و این دخل و تصرف ناصواب را بدون هیچ گونه اشارتی مرتکب شده است، که اگر می خواست با این کار بر حلاوت اشعار بیفزاید باید در پاورقی این کار را می نمود و تذکری نیز می داد. در هر حال زیادت آن در متن به هیچ وجه صحیح نمی باشد.

ج ۱، ص ۳۱۰: للوصول اليه ومقصوده اليه ومقصود معه، که صحيح آن این چنین است: للوصول اليه ومقصوده معه.

ج ۱، ص ۳۳۱: قال تعالى في ... صحيح آن این چنین است: قال في.

ج ۱، ص ۳۳۲: في فتوحاته على هذا فمعنى الآية ... صحيح آن این چنین است: في فتوحاته، فمعنى الآية.

ج ۱، ص ۲۹۶: محمد آ... و صحیح آن این گونه است: محمد.

ج ۱، ص ۲۹۶: جشتم، و صحیح آن این گونه است: جشتم.

ج ۱، ص ۲۹۷: جشتم، و صحیح آن این گونه است: جشتم.

ج ۱، ص ۲۹۷: والطاعة، و صحیح آن این گونه است: والاطاعة.

ج ۱، ص ۲۹۷: لیظهروا، و صحیح آن این گونه است: لتظهروا.

ج ۱، ص ۲۹۷: للاستهزاء، و صحیح آن این گونه است: الاستهزاء.

ج ۱، ص ۲۹۸: وحدها، و صحیح آن این گونه است: وحده.

ج ۱، ص ۲۹۸: ماقال، و صحیح آن این گونه است: فقال.

ج ۱، ص ۲۹۹: ماجاء، و صحیح آن این گونه است: ماجاءت.

ج ۱، ص ۳۰۶: مظهرأ، و صحیح آن این گونه است: مظهر.

ج ۱، ص ۳۰۶: وانقادوالیه، و صحیح آن این گونه است: وانقادوه.

ج ۱، ص ۳۰۶: وعبدوه، و صحیح آن این گونه است: وعابدوه.

ج ۱، ص ۳۰۹: لابدله... و صحیح آن این گونه است: لابدله.

ج ۱، ص ۳۰۹: واضماران، و صحیح آن این گونه است: باضماران.

ج ۱، ص ۳۰۹: ولما، و صحیح آن این گونه است: ولا.

ج ۱، ص ۳۱۱: ولی و صحیح، آن این گونه است: اوتی.

ج ۱، ص ۳۱۱: فأغرقوا... و صحیح آن این گونه است: فغرقوا.

ج ۱، ص ۳۱۲: باطنها... و صحیح آن این گونه است: باطنه.

ج ۱، ص ۳۱۳: ینصرونهم... و صحیح آن این گونه است: نصرورهم.

ج ۱، ص ۳۱۴: لحق، و صحیح آن این گونه است: یلحق.

ج ۱، ص ۳۱۵: داعياً... و صحیح آن این گونه است: واهباً.

ج ۱، ص ۳۱۵: العوالم... و صحیح آن این گونه است:

چنین است: نحن علمناه كشافاً ولما كان الكشف حجة لصاحبه دون غيره قال وایضاح برهان ای علمنا برهاناً.

سوم: تقدیم و تأخیر کلمات

ج ۱، ص ۳۰۰: ففات وزال عنهم... صحیح آن این گونه است: فزال عنهم وفات.

ج ۱، ص ۳۲۰: فی حق نفسه، صحیح آن این گونه است: حق فی نفسه.

ج ۱، ص ۴۰۳: او الضیق باعتبار ظهورك فی الموجودات المقيدة فالضیق بهذا الاعتبار بمعنی الضائق، و صحیح آن این گونه است: فالضیق بهذا الاعتبار بمعنی الضائق او الضیق باعتبار ظهورك فی الموجودات المقيدة.

چهارم: سایر اغلاط محتوایی

این قسمت بیشترین و مهمترین بخش از اغلاط کتاب را تشکیل می دهد. با توجه به اینکه این گونه خطاها از بانصد مورد در ۱۲۰ صفحه مورد نقد تجاوز می کند و اطاله آن لازم بنظر نمی رسد، فقط به چند مورد آن اکتفا می شود.

ج ۱، ص ۲۹۳: والتقرب... و صحیح آن این گونه است: والتقرب.

ج ۱، ص ۲۹۳: سر... و صحیح آن این گونه است: ستر.

ج ۱، ص ۲۹۳: والغیبة، و صحیح آن این گونه است: والغیب.

ج ۱، ص ۲۹۴: الی کمالهم، و صحیح آن این گونه است: بکمالهم.

ج ۱، ص ۲۹۵: لایقدر، و صحیح آن این گونه است: لایقدرون.

ج ۱، ص ۲۹۵: الاصفاء، و صحیح آن این گونه است: اصفاء.

ج ۱، ص ۲۹۵: لمرتبة، و صحیح آن این گونه است: مرتبة.

ج ۱، ص ۲۹۵: الاصفاء الکامل، و صحیح آن این گونه است: اصفائه الکامل.

ج ۱، ص ۲۹۵: ان، و صحیح آن این گونه است: ان.

ج ۱، ص ۲۹۵: الفرقان... و صحیح آن این گونه است: القرآن.

بنویسد: المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار للعلامة المجلسی.

آنچه تاکنون نوشته شد پیرامون برخی از لغزشهای مصحح محترم است. اما کار تصحیح و احیای آثار گذشتگان بدین جا پایان نمی پذیرد که نسخه خطی یا چاپ سنگی را با صدها غلط به دست چاپ بسپاریم و احیاناً چند نسخه بدل بدان بیفزاییم و با مراجعه به کشف الآیات نشانی آیات را در پاورقی درج کنیم، که این کار کتابفروش است، نه هنر اهل تحقیق.

به قول یکی از دانشوران و اساتید تصحیح متون:

اما تصحیح فن دیگری است، در این عمل علاوه بر مقابله و عرض نسخ، باید شخص مصحح چندان احاطه و تبحر و قوه تشخیص و فهم استدلال داشته باشد که مواضع غلط را از صواب و نسخه های راجح را از مرجوح تمیز بدهد و با تثبیت و تنقیب و نهایت بذل جهد و استفرغ وسع تا آنجا که سرحد امکان و طاقت بشری است در سنت امانت و وثاقت محظور نیست، متن کتاب را از تصحیفات نسّاخ بپیرایید و آن را چنان به صلاح باز آرد که از زیر قلم مؤلفش بیرون آمده باشد، نه اینکه هر کجا غلطی انگاشت از پیش خود کلمتی بسازد و تصرفی کند که روح صاحب تألیف از آن بی خبر و بی زار باشد.<sup>۲</sup>

در امر مهم تصحیح و تجدید چاپ کتب، تنظیم فهرست موضوعی، علاوه بر فهرست ترتیبی کتاب، ضروری به نظر می رسد. همچنین افزودن فهرست آیات و روایات و اشعار و کتب و اشخاص و امکانه نیز لازم می نماید، تا محقق و دانش پژوه را در صعود به قله های رفیع علم و تحقیق مدد کند.

با لطف و عنایت الهی، همه آنچه بایسته چنین اثر نفیس علمی است، به همت والای حضرت استاد علامه حسن زاده آملی - دام ظلّه العالی - در چاپ جدید شرح فصوص الحکم، که در یکی دو سال آینده منتشر خواهد شد، اعمال می شود.

○

۲. مختاری نامه، ص ۷۴-۷۵ به نقل از آینه پژوهش شماره ۳۹، ص ۴۸.

العالم.  
ج ۱، ص ۳۱۶: متلیسن ... و صحیح آن این گونه است: متلبساً.

ج ۱، ص ۳۱۸: فینظروا ... و صحیح آن این گونه است: فینظرون.

ج ۱، ص ۳۱۹: یتأولونه ... و صحیح آن این گونه است: یاؤلونه.

### ۳) نواقص فنی

تسامحات و اغلاط فنی نیز در این اثر کم نیست که بذکر مواردی از آن بسنده می شود. ج ۱، ص ۲۹۷: ما جمع فی الدّعوة بینهما مثل لیس کمله شیء ... همه این جمله را با حروف درشت (حروف متن) نوشته است، در حالی که «بینهما» جزء متن نمی باشد و کلام شارح است و باید با حروف نازک (حروف شرح) حروفچینی می شد.

ج ۱، ص ۳۲۲ سطر ۱۳: التنزلات الموصلیة با حروف درشت چاپ شده است، در حالی که جزء شرح است و باید با حروف نازک نوشته می شد.

ج ۱، ص ۳۲۷: والفلک الأطلس فلک البروج با حروف درشت نوشته شده است، در حالی که جزء متن نمی باشد و باید با حروف نازک نوشته شود.

ج ۱، ص ۳۳۵ سطر ۱۲: ولیست، با حروف درشت نوشته شده است، در حالی که جزء متن نبوده و با حروف نازک باید نوشته می شد.

در نامگذاری کتاب هم مرتکب خطایی شده است، در پشت جلد و ورق اوّل کتاب این گونه آمده است: مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم للشیخ الاکبر محیی الدین بن العربی المتوفی سنة ۶۳۸ هجرية شرح الاستاذ الفاضل والعالم الكامل داوود بن محمود القیصری. در حالی که این تعبیر صحیح نمی باشد؛ چون مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم نام شرح قیصری است، نه اینکه نام کتاب محی الدین باشد که ایشان پس از آن فرموده است للشیخ الاکبر محیی الدین بن العربی. مگر اینکه به اعتبار مضاف الیه (فصوص الحکم) باشد که خطای این جمله همان قدر است که کسی